

قطعنامه درباره‌ی مسأله‌ی ملی

ملاکین و سرمایه‌داران و خرده‌بورژوازی به منظور حراست امتیازات طبقاتی خویش و ایجاد افتراق بین کارگران ملیت‌های مختلف از سیاست سمت‌گیری ملی که میراث حکومت و رژیم سلطنت است پشتیبانی می‌نمایند. امپریالیزم معاصر که بر کوشش خود برای تابع نمودن ملل ضعیف می‌افزاید عامل جدید تشدید ستمگری ملی است.

اگر بر انداختن ستمگری ملی در یک جامعه‌ی سرمایه‌داری امکان‌پذیر باشد، این فقط هنگامی است که در کشور نظام جمهوری دموکراتیک پیگیری حکمفرما باشد که برابری تام و تمام حقوق کلیه‌ی ملل و زبان‌ها را تأمین نماید. باید حق جدائی آزادانه و تشکیل دولت مستقل برای کلیه‌ی مللی که جزء روسیه هستند به رسمیت شناخته شود. نفی این حق و خودداری از اتخاذ تدابیری که اجرای آن را عملاً تضمین نماید برابر است با پشتیبانی از سیاست اشغالگری یا الحاق طلبی. فقط در صورتی که پرولتاریا حق جدا شدن ملل را به رسمیت بشناسد همبستگی کامل کارگران ملل گوناگون تأمین گردیده و به نزدیکی واقعاً دموکراتیک ملل کمک خواهد شد. اختلافی که امروز بین فنلاند و دولت روسیه پیدا شده است با وضوح خاصی نشان می‌دهد که نفی حق جدائی آزادانه مستقیماً به ادامه سیاست تزاریزم منجر می‌شود.

مسأله‌ی حق ملل به جدائی آزادانه را بهیچوجه نمی‌توان با مسأله‌ی صلاح بودن جدائی فلان یا بهمان ملت در فلان یا بهمان لحظه مخلوط نمود. این مسأله را حزب پرولتاریا باید در مورد جداگانه‌ای به طور کاملاً مستقل و از نقطه نظر

مصالح تمام سیر تکامل اجتماعی و نیز مصالح مبارزه ی طبقاتی پرولتاریا در راه سوسیالیزم حل کند.

حزب خواستار خود مختاری وسیع منطقه ای، الغاء نظارت از طرف مقامات بالا و الغاء زبان اجباری دولتی و نیز خواستار آن است که تعیین حدود مناطق خودمختاری که خود اداره امور را در دست دارند بر این اساس انجام یابد که خود اهالی محل شرایط اقتصادی و معیشتی و ترکیب ملی اهالی و غیره را در نظر گیرند.

حزب پرولتاریا به اصطلاح «خود مختاری فرهنگی ملی»، یعنی خارج ساختن اداره ی امور مدارس و غیره از صلاحیت دولت و واگذاری آن به اختیار مجالس ملی را جداً رد می کند. خود مختاری فرهنگی ملی کارگرانی را که در یک محل زندگی و حتی در بنگاه های واحدی کار می کنند، بنابر تعلق آن ها به فلان یا بهمان «فرهنگ ملی» به طور مصنوعی از یکدیگر جدا می نماید، یعنی ارتباط کارگران را با فرهنگ بورژوازی ملت های آنان تقویت می کند و حال آن که وظیفه ی سوسیال دموکراسی این است که فرهنگ بین المللی پرولتاریای تمام جهان را تقویت کند.

حزب طلب می کند در قانون اساسی اعلام گردد که هرگونه امتیازی متعلق به هر ملتی باشد و هرگونه تخطی نسبت به حقوق اقلیت های ملی بلااعتبار است. مصالح طبقه ی کارگر ایجاب می کند کارگران کلیه ی ملیت های روسیه در سازمان های پرولتاریای واحدی اعم از سیاسی، حرفه ای و کنوپراتیوی و تهنذیبی و غیره متحد گردند. فقط یک چنین در آمیختگی کارگران ملیت های گوناگون در سازمان های واحد است که به پرولتاریا امکان می دهد علیه سرمایه ی بین المللی و ناسیونالیزم بورژوازی پیروزمندانه مبارزه نماید.

در تاریخ ۱۶- (۳) ماه مه سال ۱۹۱۷ در شماره ۱۳ روزنامه "سالداتسکایا
پراودا" به چاپ رسید.

منتخب آثار لنین صفحه ۴۷۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴